

نقش روش تغییر موقعیت در تربیت اخلاقی از منظر علامه مصباح یزدی*

h.hosseinkhani@yahoo.com

هادی حسینخانی / استادیار گروه علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع

دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

چکیده

گزینش موقعیت برتر و قرار گرفتن در آن، از روش‌های مؤثر تربیتی محسوب می‌شود. در خصوص تأثیرات روش «تغییر موقعیت» در تربیت اخلاقی، این پرسش مطرح است که این روش چه تأثیری در پیشگیری و درمان آسیب‌های اخلاقی و نیز رشد معنوی و اخلاقی دارد؟ همچنین در هریک از حوزه‌های سه‌گانه فوق چه راهکارهایی در منابع اسلامی ارائه شده است؟ هدف از پژوهش حاضر، پاسخ به پرسش‌های فوق از منظر علامه مصباح یزدی^ع است. روش تحقیق «توصیفی - تحلیلی» بوده و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که براساس روش «تغییر موقعیت»، راهکارهای «سیر در آفاق»، «انجام مناسک عبادی»، «فرار از موقعیت آسیب‌زا»، «پرهیز از همنشینی با هواپرستان» و «فاصله گرفتن از موقعیت‌های زمینه‌ساز گناه» به‌منظور پیشگیری از بروز آسیب‌های اخلاقی تأثیرگذارند. همچنین برای درمان انحرافات اخلاقی از «انجام مناسک عبادی»، «همنشینی با صالحان» و «هجرت از موقعیت گناه» استفاده می‌شود. برای رشد اخلاقی نیز «انجام مناسک عبادی»، «همنشینی با صالحان» و «حرکت در مسیر معنویت» نمونه‌هایی از کاربرد این روش محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: روش تربیتی، تغییر موقعیت، تربیت اخلاقی، مصباح یزدی.

در میان روش‌های تربیتی، روش «تغییر موقعیت» یک روش رفتاری است که در منابع اسلامی زیاد مدنظر قرار گرفته و از تأثیرگذاری ویژه‌ای در ساحت‌های گوناگون تربیت برخوردار است. تربیت اخلاقی از جمله مهم‌ترین ساحت‌های تربیت است و جنبه‌های پیشگیری از آسیب‌ها، درمان انحرافات و تعالی اخلاقی در آن جلوه‌گر است. محل تقاطع روش تربیتی «تغییر موقعیت» و تربیت اخلاقی موضوع بررسی پیش‌روست. از این‌رو، سؤال تحقیق حاضر آن است که روش «تغییر موقعیت» چه تأثیری در پیشگیری و درمان آسیب‌های اخلاقی و نیز رشد اخلاقی دارد؟ همچنین در هریک از حوزه‌های سه‌گانه به چه راهکارهایی در منابع اسلامی اشاره شده است؟ و در بین آنها چه راهکارهای مشترکی وجود دارد؟ با توجه به دیدگاه‌های دقیق آیه‌الله مصباح یزدی در زمینه تربیت اخلاقی، به سؤالات فوق از منظر این عالم وارسته پاسخ داده خواهد شد. با اینکه بررسی تأثیرات روش «تغییر موقعیت» در تربیت دیگران نیز موضوعی مرتبط با تحقیق حاضر است، به سبب گستردگی آن، در این مقاله موضوع سخن قرار نخواهد گرفت.

مفهوم شناسی

الف) روش تربیتی

روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی که با عناوینی کلی بیان می‌شوند، ناظر به انواعی از فعالیت‌های اختیاری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی هستند که می‌توانند ما را - هرچند در شرایطی - به اهداف مطلوب در این حوزه برسانند. این روش‌ها که با همه مؤلفه‌های تعلیم و تربیت اسلامی به نوعی ارتباط دارند و از تأثیر این فعالیت‌ها بر تعلیم و تربیت انتزاع می‌شوند، خود دارای مراتب طولی هستند و برخی از آنها برای اهداف گوناگون به کار می‌روند. از سوی دیگر، برای رسیدن به یک هدف نیز ممکن است روش‌هایی متنوع و احیاناً متزاحم وجود داشته باشد. فعالیت‌هایی که روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی ناظر به آنها هستند، اعم از فعالیت‌های خاص آموزشی و پرورشی بود و انواع عملیات مدیریتی در این حوزه، مانند برنامه‌ریزی و ارزیابی را نیز شامل می‌شوند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۴۵۰).

ب) روش تربیتی تغییر موقعیت

آنگاه که برای مصونیت یافتن از موقعیت آسیب‌زای کنونی یا پیش‌رو، و یا برخورداری از امتیازات موقعیت تعالی بخش، اقدام به موقعیت‌گزینی مطلوب و قرار گرفتن در آن می‌شود، از روش تربیتی «تغییر موقعیت» استفاده شده است. طبق این تعریف، «تغییر موقعیت» نکات ذیل را دربر می‌گیرد: ۱) ترک وضعیت کنونی به‌منظور ایمنی از آسیب‌های احتمالی آن؛ ۲) پرهیز از ورود به موقعیت آسیب‌زا؛ ۳) پیش‌بینی، گزینش و حضور در موقعیت برتر برای بهره‌مندی از مزایای آن، به‌رغم آسیب‌زا نبودن جایگاه کنونی.

ج) تربیت اخلاقی

از نگاه اسلام، «تربیت اخلاقی» عبارت است از: پرورش همه‌جانبه متربی سازوار با مبانی اخلاقی که از رهگذر ایجاد آمادگی اخلاقی برای پایبندی همه‌جایی و همه‌گاهی به اخلاق و پرورش بصیرت اخلاقی در وی صورت می‌گیرد تا برای خود و دیگران کلید نیکی و قفل بدی گردد (یالجن، ۱۳۹۵، ص ۲۹-۳۰). اصل تربیت اخلاقی اسلامی مبتنی بر توجه دادن به نتایجی است که با زندگی ابدی انسان ارتباط دارد؛ نتایجی مثل استفاده از نعمت‌های بی‌پایان الهی و نجات از عذاب‌های ابدی (<https://mesbahyazdi.ir/node/7519>).

انواع تغییر موقعیت

«تغییر موقعیت» به اقسام گوناگون وضعی، مکانی، زمانی، اجتماعی و مانند آن قابل تصور است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

منظور از «تغییر موقعیت وضعی» آن است که فرد در همان نقطه‌ای که حضور دارد، وضعیت خود را - مثلاً - از ایستاده به نشسته، از نشسته به درازکش، از پشت به قبله، به رو به قبله و مشابه آن تغییر دهد. تغییر وضعیت از ایستاده به نشسته و به‌عکس در هنگام احساس خشم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۷۲)^۱ نمونه‌ای از این نوع تغییر موقعیت است.

در «تغییر موقعیت مکانی»، فرد جایگاه مکانی خود را تغییر می‌دهد تا از مزایای این جابه‌جایی برخوردار شود. گام برداشتن برای برآوردن حاجت مؤمن (همان، ج ۷۱، ص ۳۳۵)^۲ مصداقی از تغییر موقعیت مکانی است.

در «تغییر موقعیت زمانی»، برخلاف حالات قبلی، زمان دستخوش تغییر نمی‌شود، بلکه انجام رفتار به زمان مناسب آن موکول می‌شود. برقراری ارتباط با خداوند متعال در شب (اسراء: ۷۹)^۳ از این نوع تغییر موقعیت به‌شمار می‌رود.

هرگاه فردی به‌منظور مصون‌سازی خود از برخی آسیب‌ها، از موقعیت اجتماعی خود فاصله گیرد یا برای برخوردار شدن از برخی مزایا خود را به اجتماع مطلوب ملحق کند، «تغییر موقعیت اجتماعی» روی داده است. پرهیز از همنشینی با اهل پستی و اهل فسق (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۲۲)^۴ نمونه تغییر موقعیت اجتماعی در منابع اسلامی است.

کارکردهای روش «تغییر موقعیت» در تربیت اخلاقی

کارکردهای روش «تغییر موقعیت» در تربیت اخلاقی به‌صورت کلی در سه حوزه پیشگیری از وقوع در انحرافات اخلاقی، درمان آسیب‌های اخلاقی و تعالی اخلاقی قرار می‌گیرد که در این نوشتار بررسی می‌شوند:

الف) پیشگیری از وقوع در انحرافات اخلاقی

بررسی آموزه‌های اسلامی حاکی از آن است که در موارد متعددی - که به برخی از آنها اشاره خواهد شد - «تغییر موقعیت» برای پیشگیری از انحرافات اخلاقی به‌کار می‌رود:

۱. سیر در آفاق

در آیات متعدد قرآن کریم به «سیر در آفاق» سفارش (انعام: ۱۱؛ عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۴۲) و در برخی از این آیات، کارکرد سیر آفاقی پیشگیری از گناه (غافر: ۲۱)، جرم (نمل: ۶۹) و تکذیب (نحل: ۳۶) دانسته شده است. به منظور اجتناب از این گونه آسیب‌های اخلاقی، براساس سیر در زمین، مؤلفه‌های چندی لحاظ می‌شود: نخستین مؤلفه، مطالعه زندگی اقوام گذشته است. وقتی در این آیات دقت کنیم، همه آنها بدون استثنا ما را به مطالعه زندگی اقوام گذشته وامی‌دارند تا ببینیم عاقبت کفر و نتیجه تکذیب و استکبار آنان چه بوده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۴).

اما آیا صرف مطالعه و دانستن سرگذشت پیشینیان در تحقق چنین سیری کافی است؟ دانستن و مطالعه تاریخ آن آثار گرچه مفید است، اما همانند دیدن آنها مؤثر نیست. اگر انسان از نزدیک آنها را ببیند، اثرش بیش از دانستن است. شاید علت تأکید قرآن بر سیر در آفاق نیز همین نکته باشد که در دیدن اثری نهفته است که در شنیدن و مطالعه کردن نیست. بنابراین به «اعلموا» (بدانید) و یا به «اسمعوا» (بشنوید) اکتفا نمی‌کند، بلکه می‌فرماید: «سیروا» (از نزدیک بروید ببینید و تماشا کنید)؛ یعنی دعوت به دیدن است، نه دانستن و نه شنیدن صرف (همو، ۱۳۹۴ الف، ج ۱، ص ۷۶).

البته معنای «سیر در زمین» که این‌همه در قرآن تکرار و بر آن تأکید شده، صرفاً گردش جسمی و حرکت به وسیله ماشین و هواپیما نیست، بلکه آنچه را قرآن از انسان خواسته، حرکتی است که همراه با فکر و اندیشه و عبرت‌گیری و پندآموزی از جریاناتی باشد که در زمین واقع شده تا در نتیجه، دل رفته را باز یابند و گوش انسانی و شنوای حقایق پیدا کنند و دل‌های زنگ‌زده تاریک را که چشم بصیرت از دست داده‌اند، صیقلی بخشند و بصیرت دهند که خداوند خود در این‌باره فرموده است: «فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج: ۴۶) (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۸).

آخرین گام برای تحقق سیر در آفاق پاسخ به این سؤال مهم است که خود ما چه کرده‌ایم و چه می‌کنیم؟ آیا به سرنوشت آنها مبتلا نخواهیم شد؟ آیا راه نجاتی برای خود در نظر گرفته‌ایم؟ (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ج ۱، ص ۸۷).

بنابراین، سیر در آفاق شامل «مطالعه زندگی گذشتگان» از طریق «حرکت و دیدن» همراه با «فکر و اندیشه» و در نهایت، «خود را در آن موقعیت تصور کردن» و «به‌کارگیری راه‌های دور ماندن از آسیب‌های اخلاقی گذشتگان» است.

۲. انجام مناسک عبادی

اسلام برای تربیت و پرورش انسان و برای آنکه برخی عادات ناپسند را در او ریشه‌کن و ملکات نفسانی مثبت و خوب را جایگزین کند، بهترین برنامه تمرینی را تشریح و با دست با کفایت انبیا الهی، در قالب دین و شریعت به

بندگان خدا ابلاغ کرده است. از جمله مهم‌ترین این برنامه‌ها «روزه» است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳). می‌فرماید: نه‌تنها برای مسلمانان، بلکه برای همه امت‌های پیشین نیز چنین بوده است. این برنامه صرفاً برای آگاه کردن بندگان خدا از احکام و دستورهای دین نیست، بلکه برنامه‌ای عملی و تمرینی برای پایبند کردنشان به دین و در نتیجه، متقی بار آوردن آنهاست. بنابراین فلسفه روزه منضبط بار آمدن و رعایت مقررات الهی است. تمام اهمیتی که به ماه مبارک رمضان و روزه آن داده شده، همین است: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». وقتی روزه و دستور خودداری در انسان اثر کرد و انسان منضبط بار آمد، آنگاه خود را به راحتی کنترل می‌کند و کنترل دل، چشم، گوش، زبان، دست، غرایز و تمایلات برای او آسان خواهد بود و به راحتی به سخت‌ترین تکالیف تن خواهد داد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ج، ص ۱۴۵).

روزه در مقایسه با دیگر احکام و دستورهای الهی ویژگی خاصی دارد: روزه موجب پالایش روح انسان از آلودگی‌ها می‌شود و او را برای دریافت فیوضات ربانی و نعمت‌های الهی آماده می‌کند. به بیان بزرگان اهل معرفت، استعدادی که انسان برای درک معارف در سایه روزه پیدا می‌کند با هیچ عبادتی پیدا نمی‌کند. خدای متعال این فیض را بر ما ارزانی داشته و آن را در ماه مبارک رمضان بر ما واجب کرده است تا با بهره‌گیری صحیح - ان‌شاءالله - به برکات حاصل از آن که معارف بلند الهی است، نائل شویم. بندگان خوب خدا از این ماه پرفضیلت چندان بهره می‌برند که در روزهای آخر ماه برای از دست‌دادن این فضیلت محزون‌اند و می‌گویند: «ای کاش همه ماه‌ها ماه رمضان بود و روزه همه سال بر ما واجب بود!» (همان، ص ۱۱۴).

آسیب اخلاقی تکبیر از جمله آسیب‌های عمده‌ای است که خداوند متعال با تشریح روزه‌داری در ماه مبارک رمضان، از آن پیشگیری کرده است. امیرالمؤمنین علیه السلام به این کارکرد روزه ماه مبارک رمضان اشاره کرده‌اند: «و به‌همین دلیل است که خداوند بندگان خود را با... روزه در روزهای مقرر (از شربت‌ابتلا به کبر و غرور) حفظ فرموده است تا از این رهگذر اعضا و جوارحشان آرام، دیدگانشان (به‌جای خیره‌شدن و بی‌حساب نگرستن) خاشع، جان‌هایشان فروتن و قلب‌هایشان (به جای گردنکشی و افزون‌طلبی، در پیشگاه با عظمت الهی) اظهار کوچکی نموده و نخوت و تکبر از آنها زدوده گردد» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خ ۱۹۲).^۵

صرف‌نظر از اهمیت روزه و نقش آن در خودسازی، در برخی روایات به روزه در برخی ایام و ماه‌ها، ثواب ویژه‌ای اختصاص داده شده؛ از جمله روزه ماه شعبان و رجب که اولیای دین و علمای بزرگ بر روزه در این دو ماه مداومت داشته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۶الف، ج ۱، ص ۱۴۳).

«حج» بیت‌الله الحرام نیز از جمله عباداتی است که در بستر «تغییر موقعیت» انجام می‌شود. در حج، همه اقسام وضعی، زمانی، مکانی و اجتماعی تحقق پیدا می‌کند، ولی در آیه ۱۹۷ سوره بقره بر جنبه زمانی آن تأکید و اشاره می‌کند که این عبادت در ماه‌های معین (شوال، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه) صورت می‌پذیرد. پس کسی که در این ماه‌ها حج می‌گذارد، لازم است از برخی گناهان، مانند دروغ، بدگویی و جدال خودداری کند.

محرمات حج برای تطهیر قوایی است که احیاناً گرفتار عصیان و تباهی می‌شود؛ چنان‌که آیه شریفه (بقره: ۱۹۷) به سه نمونه از محرمات حج که هریک در تطهیر یکی از قوای نفسانی نقش دارد، اشاره می‌کند: «لَا زَفَثَ» به پاک کردن قوه شهوت، «لَا فُسُوقَ» به تطهیر قوه غضب و «لَا جِدَالَ» به تهذیب قوای فکری برمی‌گردد، و با طهارت این قوای سه‌گانه همه کارهای انسانی پاک می‌شود؛ زیرا هر کاری که از انسان صادر می‌شود با تحلیل دقیق به یکی از سه قوه برمی‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

۳. فرار از موقعیت آسیب‌زا

در قرآن کریم، آیاتی در ستایش از هجرت و جامعه‌گریزی ذکر شده است. نمونه‌های ذیل از این جمله است: فاصله گرفتن اصحاب کهف از اجتماع فاسد زمان خود و پناه بردن به غار (کهف: ۱۶)؛ کناره‌گیری حضرت ابراهیم علیه السلام از جامعه شرک‌آلود نمرودی (مریم: ۴۸)؛ و رهبانیت حضرت عیسی علیه السلام (حدید: ۲۷) که چون می‌خواست دین خود را حفظ کند، جز این چاره‌ای نداشت که از جمع مردم فاسد و دین‌گریز کناره‌گیری کند، تا در فرصت‌های مناسب، در گوشه و کنار، افرادی را هدایت و اصلاح نماید و زمینه یک حرکت دینی و اصلاحی را به‌وجود آورد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۳، ص ۳۶).

هرچند هجرت برای حفظ دین شامل حفاظت از سلامت اخلاقی نیز می‌شود و حتی به تعبیر امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله، «مهاجر» کسی است که از گناهان مهاجرت و آنچه را خداوند بر او حرام کرده ترک کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۹۷)، اما آیاتی از قرآن بر فاصله گرفتن از برخی اماکن گناه‌آلود برای تأمین سلامت اخلاقی متمرکز شده‌اند.

در جریان نقشه‌ای که زلیخا برای انحراف حضرت یوسف علیه السلام کشید، آن حضرت وقتی خود را در دام او گرفتار دید، به راهکارهای «استعاذه به خداوند متعال»، «یادآوری نعمت‌های او» و «توجه به بدفرجام بودن ظلم» (یوسف: ۲۳) اکتفا نکرد، بلکه با سرعت به‌سوی در گریخت (یوسف: ۲۵). روشن است که باقی‌ماندن در محیط گناه و در اوج هیجانات جنسی، نمی‌تواند پاکدامنی افراد را تضمین کند. به‌همین سبب، آن حضرت زندان را محبوب‌تر از آن دانست که به خواسته شهوت‌آلود زنان مصر تن دهد (یوسف: ۳۳).

همچنین در روایات نقل شده که برای مؤمن سزاوار نیست در جلسه‌ای که در آن معصیت خداوند می‌شود و او قادر به تغییر آن نیست، باقی بماند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۴).^۶

البته «گریختن از گناه» و سرعت در آن، مستلزم درکی صحیح از میزان آسیبی است که گناه وارد می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مؤمن گناهِش را مانند صخره‌ای می‌بیند که نگران است بر او فرود آید، و کافر گناهِش را همچون مگسی می‌داند که از کنار بینی او می‌گذرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۷۰)^۷ (ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۹۶ الف، ج ۱، ص ۹۴ و ۹۵).

یکی از کلیدی‌ترین کارها در مسیر حفظ و تقویت ایمان، «دوری از دوستان ناباب» است. جوانان و نوجوانان بیشتر تحت تأثیر دوستانشان هستند و به راحتی از دوست، همبازی، همکلاسی و همسایه خود رنگ می‌پذیرند. از این‌رو وظیفه والدین و مربیان است که به نوجوان‌ها توصیه کنند تا رفیق و دوست خوب انتخاب کنند. اینکه انسان ابتدا سعی کند دوستی و رفاقتش را کنترل کند، کار چندان مشکلی نیست. انسان تا معتاد نشده، دوری کردن از انسان‌های معتاد و دوستی با آنها کاری آسان است. اما اگر با رفیق بد آشنا شد و او را دوست خود گرفت، آنگاه قطع کردن این دوستی آسان نیست. وقتی دنبال دوست بد را گرفت، به تدریج از او تأثیر می‌پذیرد و آن دوست بر تمام زوایای شخصیت او در (طرز صحبت کردن، راه رفتن، لباس پوشیدن، لطفه گفتن) و همه رفتارهایش تأثیر می‌گذارد. از این‌رو باید در انتخاب دوست، بسیار حساس و دقیق باشیم و از دوستی با افراد ناصالح و ناباب پرهیزیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۳).

اصولاً نفس حضور در جمع افراد منحرف خطرناک است، گرچه انسان خود، مرام و مسلک آنها را تأیید نکند و با آنها عملاً همراهی ننماید. آیه ۱۴۰ سوره نساء همین مطلب را متذکر گردیده و با لحنی بسیار شدید نسبت به آن هشدار داده است.

خداوند می‌فرماید: اگر مشاهده کردید که گروهی دور هم جمع شده‌اند و نسبت به دین و مسائل دینی و آیات الهی مشغول شبهه‌افکنی هستند و نسبت به آنها تحقیر و توهین رومی دارند و آنها را به تمسخر گرفته‌اند، در جمع آنها شرکت نکنید! در این مسئله تفاوتی نمی‌کند که آن گروه چه کسانی باشند؛ دوستان، همسایگان، همکلاسی‌ها، و همسال‌ها، و یا اقوام و بستگان. می‌فرماید: مادام که چنین سخنانی در جمع ایشان مطرح می‌شود با آنان همنشین نشوید و صبر کنید تا به گفت‌وگوی دیگری درآیند: «فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ». سپس تأکید می‌کند که اگر این دستورالعمل را مراعات نکردید و با آنان همنشین شدید، شما نیز مثل آنها خواهید شد: «إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ». در پایان نیز می‌فرماید: همنشینی با چنین کسانی روح ایمان را در انسان تضعیف می‌کند و او را به جرگه منافقان وارد می‌سازد؛ و بدانید که کفر و نفاق با یکدیگر تفاوتی ندارند و سرانجام هر دو جهنم خواهد بود: «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (همو، ۱۳۸۸، ص ۳۱۳-۳۱۴).

در منابع روایی نیز همنشینی با برخی افراد، زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اخلاقی شمرده و بر اجتناب از آن تأکید شده است. برای مثال، مجالست با اهل هوا موجب فراموشی ایمان و حضور شیطان دانسته شده (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خ ۸۶)^۸ و همچنین از مقارنت با اشعار و همنشینی با اهل بدعت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۳۳)^۹، اهل لهو (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۹)^{۱۰}، اهل ریب (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۳۷۵)^{۱۱} و اهل پستی و فسق (همان، ج ۷۵، ص ۱۲۲)^{۱۲} نهی شده است.

۵. فاصله‌گرفتن از موقعیت‌های زمینه‌ساز گناه

قرآن، انبیا را دارای دو رسالت همگانی می‌داند: پیامبران، هم به نعمت‌ها و پاداش‌های الهی بشارت می‌دهند و هم از عذاب الهی انذار می‌کنند. مراجعه به آیات قرآن نشان می‌دهد که خداوند در برخی از آیات به‌جای واژه پیامبر، «نذیر» را به کار برده است (فاطر: ۲۴)، اما در هیچ آیه‌ای واژه «بشیر» به‌جای پیامبر به کار نرفته است. با اینکه «بشیر» و «نذیر» بودن هر دو وظیفه پیغمبران است، اما عنوانی که خداوند به‌طور مطلق بر پیغمبر اطلاق می‌کند «نذیر» است. علت این امر نیز آن است که آنچه در اراده ما انسان‌ها بیشتر اثر دارد، حفظ از خطر‌هاست. معمولاً ابتدا مواظبیم خطر را رفع کنیم. هرگاه آن تأمین شد، سپس به سراغ لذت‌ها، خوشی‌ها و خوبی‌ها می‌رویم. از این روست که مهم‌ترین کار پیغمبران نیز انذار است.

برای ایمنی یافتن از خطر گناه نیز لازم است که از نزدیک شدن به مرزهای آن اجتناب شود. اگر از مرز گناه فاصله نگیریم امکان وقوع در آن وجود دارد. در روایات (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷ ص ۸۴)^{۱۳} آمده است: «کسی که به قرقگاه نزدیک شود ممکن است که در دام بیفتد!» (مصباح یزدی، ۱۳۹۵).

یکی از لوازم «فاصله گرفتن از گناه» آن است که انسان علاوه بر ترک گناه، آنچه را احتمال گناه بودنش بالا و شبهه‌ناک است نیز ترک کند و آن را انجام ندهد. هنر این نیست که انسان در مرز حرکت کند. باید کمی از مرز فاصله بگیرد تا در آن نیفتد! نگویید: هر وقت بدانم کلامی صددرصد حرام است، نمی‌گویم! بلکه اگر جایی نود درصد یا حتی کمتر هم احتمال دادی که حرام است، نگو! فعل شبهه‌ناک انجام نده و از آن فاصله بگیر! (همو، ۱۳۹۶ب).

علاوه بر این، انسان برای اطمینان بیشتر از نیفتادن در دام گناهان، لازم است از برخی مقدماتی هم که احتمال دارد آدمی را به سمت گناه سوق دهند، اجتناب کند (همو، ۱۳۸۸، ص ۲۷۶). برخی از این مقدمات، خود گناهی کوچک‌اند که گناهان بزرگ‌تری را به دنبال می‌آورند. بسیاری از انحرافات جنسی با نگاه آغاز می‌شود و اگر انسان بتواند چشم خود را حفظ کند و مراقب نگاه خود باشد، تا حد زیادی از انحرافات جنسی مصونیت پیدا خواهد کرد. نگاه به نامحرم گناه است، اما این گناه کوچک مقدمه‌ای برای گناهان بعدی و بزرگ‌تر است. از این‌رو انسان برای آنکه به عوارض بعدی مبتلا نشود از ابتدا باید نگاه خود را کنترل کند (همان).

همچنین آهنگ‌هایی وجود دارد که مهیج است و گوش دادن به آنها باعث تحریک غریزه جنسی می‌شود. بنابراین علاوه بر چشم، گوش را هم باید کنترل کند و آن را از شنیدن این‌گونه آهنگ‌ها باز دارد. یا داستان‌هایی وجود دارد که در زمینه مسائل جنسی بسیار اغواگر و تحریک‌کننده هستند و خواندن آنها ممکن است حتی از دیدن و تماشای بسیاری از فیلم‌ها تحریک‌کننده‌تر باشد. طبیعی است که برای جلوگیری از طغیان شهوت باید از خواندن این داستان‌ها خودداری کرد. همچنین وارد شدن به عرصه شوخی‌ها و بذله‌گویی‌های جنسی و زشت و تحریک‌کننده می‌تواند زمینه‌ای برای انحرافات جنسی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۸۹).

برخی دیگر از مقدمات گرچه ممکن است خود اموری حلال و بی‌مشکل باشند، اما چون می‌توانند انسان را به سوی گناه بکشانند مطلوب این است که آنها نیز ترک شوند (همان، ص ۲۷۶). اینکه بزرگان دین سعی می‌کردند از مباحات هم کمتر و به قدر ضرورت استفاده کنند، به خاطر این طبیعت آدمی است که وقتی به امر مباح لذت‌بخش نزدیک شد، دلش می‌خواهد تکرار کند. وقتی تکرار شد، به تدریج عادت می‌شود. وقتی عادت شد کم‌کم از مرز تجاوز می‌کند و یک قدم آن طرف می‌گذارد. قدم که در وادی گناه گذاشت ناگهان سقوط می‌کند. یکی از حکمت‌های تشریح زهد، تقوا، قناعت و مانند آن در اسلام همین است (مصباح یزدی، ۱۳۹۵).

بنابراین گرچه بر انسان جایز است که از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حلال استفاده کند، ولی لازم است گهگاهی، به‌ویژه در ماه‌های پُر فضیلت سال، مثل ماه رجب روزه بگیرد و با این کار با خواسته‌های نفس خود مخالفت کند. همین‌طور است در خصوص لباس و مسکن و از این قبیل (همو، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱).

در پایان این بحث ممکن است اشکال شود که براساس مطالب فوق، «فاصله گرفتن از موقعیت‌های زمینه‌ساز گناه» متوقف بر «تغییر موقعیت» نیست. در مقام پاسخ می‌توان موارد متعددی را تصور کرد که دوری از زمینه‌های گناه منوط به تغییر موقعیت است. اجتناب از حضور در اماکن یا اجتماعاتی که شبهه‌گناه در آنها وجود دارد، یا مقدمه ورود به معاصی را فراهم می‌سازند، نمونه‌هایی از کاربرد این روش در پیشگیری از وقوع در انحرافات اخلاقی محسوب می‌شود.

ب) درمان آسیب‌های اخلاقی

درمان آسیب‌های اخلاقی، دیگر کارکرد روش تربیتی «تغییر موقعیت» است که از طریق برنامه‌های ذیل محقق می‌شود:

۱. انجام مناسک عبادی

مکلف کردن به انجام برخی از «مناسک عبادی» اساساً به‌منظور درمان آسیب‌ها و از جمله آسیب‌های اخلاقی صورت گرفته است. از جمله این مناسک، «نماز» است که مشتمل بر تغییر موقعیت‌های وضعی، زمانی، مکانی و اجتماعی می‌شود. قرار گرفتن رو به قبله (بقره: ۱۴۴) و انجام حرکاتی مانند قیام، رکوع و سجود (حج: ۲۶) نمونه‌هایی از تغییر موقعیت وضعی است. اقامه نماز در وقت خاص (نساء: ۱۰۳) تجلی تغییر موقعیت زمانی؛ اقامه نماز در مسجد (اعراف: ۲۹) حاکی از تغییر موقعیت مکانی؛ و اقامه نمازهای جمعه (جمعه: ۹) و جماعت (آل عمران: ۴۳) مصادیقی از تغییر موقعیت اجتماعی به‌شمار می‌روند.

یکی از جهاتی که در «نماز» وجود دارد، جهت نفی‌کنندگی و نفی روح تکبر و خودبزرگ‌بینی است که امام علی علیه السلام در خطبه «قاصعه» در کنار روزه و زکات، به آن اشاره می‌فرماید: «خداوند بندگان خود را با نماز... (از شرّ

ابتلا به کبر و غرور) حفظ فرموده است تا از این رهگذر، اعضا و جوارحشان آرام، دیدگانشان (به‌جای خیره‌شدن و بی‌حساب نگرستن) خاشع، جان‌هایشان فروتن و قلب‌هایشان (به‌جای گردنکشی و افزون‌طلبی، در پیشگاه با عظمت الهی) اظهار کوچکی نموده، نخوت و تکبر از آنها زدوده گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۹).

حضرت زهرا^{علیها السلام} نیز به این حکمت تشریح «نماز» اشاره کرده، می‌فرماید: «و [خداوند] نماز را برای پاک کردن شما از کبر و خودبزرگبینی قرار داده است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۸).^{۱۴}

سؤالی که ممکن است در اینجا به ذهن خطور کند این است که علی‌رغم وجود صفات مذموم فراوان، چگونه است که صفت کبر تا این اندازه اهمیت یافته که برجسته‌ترین ویژگی نماز، پاک کردن دل از کبر شمرده شده است؟

پاسخ این سؤال را باید از دقت در راهی یافت که انسان را به سعادت ابدی - که همان تقرب به خداست - می‌رساند. تنها راه رسیدن به سعادت ابدی بندگی خداست و آنچه با این هدف تضاد دارد احساس بزرگی کردن است. بندگی، اعلام این واقعیت است که من هیچ چیز از خود ندارم، اما زبان حال متکبر، گویای این توهم است که من موجودی بسیار بزرگ و با کمالات فراوانم، و شایسته من نیست که در مقابل کسی سر خم کنم! اگر این صفت در نفس انسان به‌صورت مَلَکَه درآید، انسان حتی در برابر خداوند هم حاضر نیست سر خم کند، درحالی‌که یگانه راه سعادت او ابراز نهایت خضوع در برابر خداوند است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ب، ج ۱، ص ۳۸۷).

همان‌گونه که «نماز» مانع فحشا و منکر و درمان آنها به‌شمار می‌رود، «روزه» و «حج» خانه خدا نیز به‌مثابه نمودهایی از «تغییر موقعیت»، در درمان گناهان مؤثرند. روزه موجب می‌شود که فرد روزه‌دار در طول ماه مبارک رمضان از برخی محرمات و حتی برخی امور حلال اجتناب کند و این موجب تقوا می‌شود تا پس از آن بتواند از محرمات فاصله بگیرد (بقره: ۱۸۳). همچنین بر محرم به احرام حج لازم است از برخی محرمات و حتی برخی کارهای مباح بپرهیزد (بقره: ۱۹۷) و نتیجه این اجتناب، آمادگی او برای رهایی از این‌گونه محرمات، پس از پایان مناسک حج است.

۲. همنشینی با صالحان

«رفیق خوب» می‌تواند بدی‌های آدمی را بدون هیچ زحمتی از او دور کند و او را از آنها مبرا سازد. این در حالی است که اگر آن فرد خودش بخواهد دنبال رفع آنها برود باید مدت‌ها فکر کند و تلاش نماید تا عیوبش را بشناسد و آنها را برطرف گرداند؛ آنقدر باید فکر کند، کتاب بخواند، زحمت و ریاضت بکشد و برنامه‌ریزی کند تا به تدریج یک صفت بد از بین برود؛ اما اگر با یک رفیق خوب معاشرت نماید، بدون هیچ زحمتی به‌زودی خلق‌وخوی پسندیده او در وی اثر می‌گذارد و آن صفت زشت از بین می‌رود، بدون اینکه تلاشی کرده باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴الف، ج ۲، ص ۴۶-۴۷).

پیامبر خدا ﷺ همنشینی با «عالمان راستین» را مایه دوری از ردائیل اخلاقی می‌دانند و می‌فرمایند: «تنها در محضر دانشمندانی بنشینید که شما را از پنج چیز به پنج چیز فرامی‌خوانند: از دودلی به یقین، از ریا به اخلاص، از دنیاخواهی به دنیاگریزی، از تکبر به فروتنی، و از ناخالصی به خلوص» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۸۸، ح ۱۸).^{۱۵}

۳. هجرت از موقعیت گناه

زندگی اجتماعی دارای اهمیت است، اما با وجود اهمیت و احکام و دستورات اسلام در این باره، نمی‌توان آن را ارزش مطلق دانست. از این رو، گاهی «جامعه‌گریزی» یا «هجرت» از جامعه بهتر از «جامعه‌گرایی» است. در قرآن کریم به همان اندازه که به محبت کردن مردم به همدیگر اهمیت داده شده، به تبرأ از بعضی از انسان‌ها و دور شدن از آنها هم اهمیت داده شده است (نساء: ۹۷). در یک تعبیر کلی، می‌توان گفت: ارزش جامعه به اندازه‌ای است که برای رشد و تکامل فرد مؤثر باشد و اگر دارای تأثیر منفی باشد، طبعاً ارزش منفی خواهد داشت (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ج ۳، ص ۳۷ و ۳۸).

بر این اساس، چنانچه حضور فرد در مکان و یا جامعه‌ای او را به ارتکاب معصیت وادارد، لازم است برای اصلاح اخلاقی خود، موقعیت خود را در جهت موقعیت مصون از گناه تغییر دهد. گاه حتی «تغییر موقعیت وضعی» می‌تواند در درمان رذیله اخلاقی کارساز باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «هر کس خشمگین شد، چنانچه ایستاده است، بنشیند؛ زیرا پلیدی شیطان از او برطرف می‌شود؛ و اگر نشسته است، برخیزد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۲۷۲).^{۱۶} در روایتی دیگر آمده است: اگر با نشستن (خشم) برطرف نشد به سمت پهلو بر روی زمین دراز بکشد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۲۰).^{۱۷}

در خصوص کینه نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «کینه مؤمن تا زمانی است که نشسته است؛ همین که برخاست کینه نیز از دل او می‌رود» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۱۰).

ج) تعالی اخلاقی

«تغییر موقعیت» علاوه بر پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی و درمان آنها، می‌تواند از طریق برخی برنامه‌ها زمینه را برای رشد و تعالی اخلاقی نیز فراهم سازد:

۱. انجام مناسک عبادی

«رکوع» و «سجود» به‌مثابه جلوه‌هایی از «تغییر موقعیت وضعی»، تا آنجا در رشد اخلاقی مؤثر است که قرآن کریم این دو عمل عبادی را موجب فلاح دانسته است (حج: ۷۷).

بزرگان قبیله‌ای از قبایل عرب به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشنهاد کردند که ما حاضریم اسلام بیاوریم و جان و مالمان را در اختیار شما قرار دهیم، به شرط اینکه سجده نماز را از ما بردارید. در شأن ما نیست که روی خاک بیفتیم. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «در دینی که رکوع و سجود ندارد خیری نیست!» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۰۳).^{۱۸}

اگر می‌خواهید اسلام را قبول کنید باید سجده‌اش را هم قبول کنید. برخی حاضرند از جان و مالشان بگذرند، اما در مقابل خدا سجده نکنند! در نهاد این افراد روح خودبزرگ‌بینی چقدر ریشه‌دار است! (مصباح یزدی، ۱۳۸۹).

«برقرار کردن ارتباط با خداوند متعال در دل شب» عبادت دیگری است که انسان را به «مقام محمود» نائل می‌گرداند: «و بخشی از شب، بیدار و متعهد باش و نماز شب که بهره‌افزونی برای توسل بجای آور. باشد که خدایت به مقام محمود (شفاعت) مبعوث گرداند!» (اسراء: ۷۹) (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۲).

در آیات اول (۲-۵) سوره مزمل نیز می‌فرماید: «شب را به‌پا خیز!... ما به زودی گفتاری گران‌سنگ بر تو می‌افکنیم». شب‌زنده‌داری، هم صفای روحی برای پذیرش حقایق فراهم می‌سازد و هم انسان را برای صعود به قله‌های رفیع معنویت کمک می‌کند. به‌همین سبب، از منظر قرآن مجید وقتی چنین افرادی با قرآن برخورد می‌کنند، به‌علت صفای باطنی‌شان، آماده‌اثرپذیری از قرآنند (همو، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۹۸).

برخلاف شب، که مخصوص خودسازی و انجام عبادات فردی است، روز برای عبادات جمعی و فعالیت‌های اجتماعی، از قبیل تحصیل، تدریس، جهاد، و کمک به مستمندان است. انجام بعضی از مشاغل که جامعه به آنها نیاز دارد، علاوه بر اینکه واجب کفایی است، اگر به قصد قربت باشد بزرگ‌ترین عبادت به‌شمار می‌آید. بنابراین می‌توان گفت: کارهای اجتماعی بیشتر در روز و کارهای فردی و اموری که پنهانی بودن آنها مطلوب است، بیشتر در شب انجام می‌شود. یکی از برنامه‌های شبانه پیامبر اکرم ﷺ، حضرت علی علیه السلام و سایر ائمه اطهار علیهم السلام رسیدگی به فقرا بود، به‌گونه‌ای که شناخته نشوند. حال اگر ما از انجام این امور در شب عاجزیم - دست کم - می‌توانیم انفاق سری را جزو برنامه‌های روزمان قرار دهیم (همو، ۱۳۹۲، ص ۱۴۲).

«حج» از دیگر «مناسک عبادی» است که به رشد اخلاقی و معنوی می‌انجامد. حضرت رضا علیه السلام در این‌باره می‌فرمایند: «همانا [مردم] موظف شده‌اند به [پوشیدن] احرام، تا قبل از ورود به حرم امن الهی خاشع گردند و به لِهو نپردازند و مشغول اموری از دنیا و زینت‌ها و لذات آن نشوند و در آنچه هستند [از اعمال حج] جدی [و با تلاش] و با توجه به سوی آن [اعمال] باشند و با تمام وجودشان به حرم الهی رو کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۸۴).^{۱۹}

۲. همنشینی با صالحان

«همنشینی با صالحان» به‌صورت آرام و غیرمحسوس، تأثیری بسیار و نافذ برجا می‌گذارد و موجبات ارتقای اخلاقی فرد را فراهم می‌کند. برخی بزرگان نافذ و غیرمحسوس بودن همنشینی را همانند لقمه غذایی می‌دانند که در دهان گذاشته و جویده شود که انسان از خوردن، جویدن و مزه‌مزه کردنش لذت می‌برد و متوجه نیست که این لقمه آرام‌آرام از گلو پایین می‌رود و ناگهان متوجه می‌شود که چیزی در دهانش نیست. «رفیق خوب» سرمایه‌های مادی و معنوی را به کام انسان می‌ریزد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ج ۲، ص ۴۶). نقش رفیق در عوض کردن روحیات انسان و تغییر دادن صفات آدمی، درحالی‌که بسیار آرام و غیرمحسوس است، بسیار مؤثر و نافذ است. این تأثیر مثبت در صفات و روحیاتی که بروز و ظهور بیشتری دارد، چشمگیرتر است (همان، ص ۴۷).

ویژگی دیگر دوست خوب آن است که انجام کار خیر را برای انسان تسهیل می‌کند و او را به انجام کارهای خیر دیگر برمی‌انگیزد. انتخاب یک رفیق خوب آنقدر کار را برای انسان آسان می‌کند که - مثلاً - اگر می‌بایست برای کاری صد واحد انرژی مصرف کند، وقتی رفیق خوب دارد یک واحد انرژی کافی است. تربیت این است. اینکه می‌گویند: برای تربیت به مربی نیاز است از این نظر است که مربی در بین دستورات چیزی را انتخاب می‌کند که انجام دانش خیلی مشکل نیست و وقتی هم فرد آن را انجام داد، زمینه برای کارهای خیر دیگر فراهم و آسان می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴د).

به‌طور کلی، مجالست با دیگران، خوی والای تواضع و فروتنی را در انسان پدید می‌آورد که به‌حق از بالاترین مقام‌هایی است که در خلوت و تنهایی، انسان به آن نمی‌رسد؛ زیرا گاه کبر خود موجب اختیار انزوا و گوشه‌گیری می‌شود.

نقل کرده‌اند: حکیمی ۳۶۰ رساله در حکمت نگاشت، تا آنجا که برای خود، نزد خداوند مقام رفیعی دید. خداوند به پیامبر زمان او وحی کرد که به آن حکیم بگو: تو زمین را پر از نفاق و پریشانی کرده‌ای و من کارهای پریشان‌زای تو را نمی‌پذیرم. آنگاه آن حکیم عزلت و تنهایی برگزید و از جمع فاصله گرفت و در دخمه‌ای زیر زمین مسکن گزید و گفت: اکنون خداوند از من خشنود شده است. خداوند به پیامبر خود وحی کرد که به او بگو: من از تو خوشنود نمی‌شوم، مگر اینکه با مردم در آمیزی و بر آزار آنها صبر کنی. پس آن حکیم به مردم پیوست و در کوچه و بازار با آنها معاشرت و همراهی داشت و با آنها نشست و برخاست می‌کرد و هم غذا می‌شد، تا اینکه خداوند وحی کرد: اکنون از تو خشنود شدم.

چه بسا انسان‌هایی در خانه خود نشسته‌اند و از اجتماع فاصله گرفته‌اند و همین انزوای از مردم موجب تکبر آنان می‌شود و مانع می‌گردد که در جمع دیگران حاضر شوند؛ زیرا خود را بالاتر از آن می‌بینند که با دیگران هم‌مجلس گردند (همو، ۱۳۹۶ الف، ج ۲، ص ۱۱۵).

با وجود تأثیر نفس همنشینی با افراد در تحقق صفت تواضع، بررسی منابع دینی نشان می‌دهد که برخی صفات اخلاقی خاص در اثر همنشینی با افراد دارای ویژگی‌های مشخص ایجاد می‌شود. برای نمونه، همنشینی با افراد حلیم، موجب تقویت حلم (تیمی آمدی، بی‌تا، ص ۴۳۰)؛^{۲۰} با نیازمندان، موجب تقویت روحیه سپاسگزاری با اهل خیر، موجب تبدیل شدن به اهل خیر (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ن ۳۱)؛^{۲۱} و با عالمان راستین (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۰۵)،^{۲۲} زمینه‌ساز حیات دل (ابن‌ابی‌فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۸۳)، نیکویی ادب، تزکیه نفس (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۰۵)^{۲۳} و در نهایت سعادت‌مندی می‌شود (همان، ۲۵).

۳. حرکت در مسیر معنویت

بسیاری از بهره‌های اخلاقی و معنوی از طریق «سفر» و «حرکت‌های معنوی» حاصل می‌شود. برای نمونه، حرکت برای جهاد در راه خدا موجب خیر (توبه: ۴۱)؛ زیارت اهل بیت علیهم‌السلام موجب برخورداری از کمالات روحی (مصباح یزدی،

۱۳۸۶؛ صله رحم موجب حُسن خلق، سخاوت‌مندی و طهارتِ نفس (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۱)؛^{۲۶} زیارت برادر دینی زمینه‌ساز طهارت (همان، ص ۱۸۷) و زنده‌شدن دل (همان، ص ۱۸۶)؛^{۲۸} زیارت اهل قبور موجب عبرت‌آموزی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۶۴)؛^{۲۹} سیر در آفاق موجب چشم‌ندوختن به نفرت، نیروها و آثار (فاطر: ۴۴)؛ اعتکاف یک دهه در ماه مبارک رمضان موجب برخورداری مضاعف از برکات حج و عمره (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۸۸)؛ و حضور در مساجد یادآور خداوند و عبادت او (مصباح یزدی، ۱۳۹۶الف، ج ۲، ص ۲۲۲) است.

نتیجه‌گیری

۱. روش تربیتی «تغییر موقعیت» از کارکردهای گوناگونی، از جمله در زمینه تربیت اخلاقی برخوردار است.
۲. کارکردهای اخلاقی تغییر موقعیت در سه محور «پیشگیری از تحقق آسیب‌های اخلاقی»، «درمان انحرافات اخلاقی» و «تعالی اخلاقی» بررسی شد.
۳. سیر در آفاق شامل «مطالعه زندگی گذشتگان» از طریق «حرکت و دیدن» همراه با «فکر و اندیشه» و در نهایت، «خود را در آن موقعیت تصور کردن» و «به‌کارگیری راه‌های دور ماندن از آسیب‌های اخلاقی گذشتگان» است.
۴. انجام مناسک عبادی به‌مثابه یکی از نمودهای تغییر موقعیت در حوزه‌های پیشگیری، درمان و تعالی اخلاقی تأثیرگذار است.
۵. پرهیز از هم‌نشینی با افراد ناصالح در پیشگیری از بروز آسیب‌های اخلاقی، قطع ارتباط با افراد ناصالح و نیز هم‌نشینی با صالحان در درمان آسیب‌های اخلاقی، و مجالست با صالحان در تعالی اخلاقی مؤثر است.
۶. هجرت و فاصله گرفتن از موقعیت گناه، هم در پیشگیری و هم در درمان آسیب‌های اخلاقی ایفای نقش می‌کند. علاوه بر آنکه دور شدن از چنین موقعیت‌هایی در رشد اخلاقی نیز تأثیرگذار است.
۷. فاصله گرفتن از محل‌های گناه از عوامل فوق‌العاده مؤثر در پیشگیری از معصیت است.
۸. کارکردهایی که در این مقاله بررسی شد منحصر در کارکردهای خودتربیتی بود. روش «تغییر موقعیت» کارکرد عمده‌ای در دیگر تربیتی نیز دارد که در تحقیقات دیگر باید بررسی شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. عن الباقر علیه السلام: «أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ؛ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ، وَإِنْ كَانَ جَالِسًا فَلْيَقُمْ».
۲. قال الحسن علیه السلام: «أَنَّ الْمَشَى فِي حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَفْضِيَهَا خَيْرٌ مِنْ اِعْتِكَافِ شَهْرَيْنِ مُتَابِعِينَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ بِصِيَامِهَا».

۳. وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا.
۴. خَطَبَ الْحَسَنِ عليه السلام: فَقَالَ إِنَّ ... مُجَالَسَةَ أَهْلِ الدَّعَاةِ شَرٌّ وَ مُجَالَسَةَ أَهْلِ الْفِسْقِ رِيئَةٌ.
۵. «و عَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَاةِ وَ مُجَاهِدَةِ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَقْرُوضَاتِ، تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ وَ تَخْشِيعًا لِأَبْصَارِهِمْ وَ تَذِيلًا لِنَفْسِهِمْ وَ تَخْفِضًا لِقُلُوبِهِمْ وَ إِذْهَابًا لِلْخِيَالِ عَنْهُمْ».
۶. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ.
۷. يَا أَبَادَرُّ ... إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ صَخْرَةٍ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ، وَ إِنَّ الْكَافِرَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ.
۸. قَالَ امِير الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مَنَسَاةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَخْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ.
۹. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: ثَلَاثٌ يَجِبُ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ تَجَنُّبُهَا: مُقَارَنَةُ الْأَشْرَارِ وَ مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْبِدْعِ.
۱۰. مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَى يُنْسِي الْقُرْآنَ وَ يُخْضِرُ الشَّيْطَانَ.
۱۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ ... وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الرَّبِّيبِ.
۱۲. خَطَبَ الْحَسَنِ عليه السلام: فَقَالَ إِنَّ ... مُجَالَسَةَ أَهْلِ الدَّعَاةِ شَرٌّ وَ مُجَالَسَةَ أَهْلِ الْفِسْقِ رِيئَةٌ.
۱۳. مَنْ حَامَ حَوْلَ الْحِمَى أَوْشَكَ أَنْ يَقَعَ فِيهِ.
۱۴. وَ الصَّلَاةُ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ.
۱۵. لَا تَجْلِسُوا إِلَّا عِنْدَ كُلِّ عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ مِنْ خَمْسٍ إِلَى خَمْسٍ: مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ؛ وَ مِنَ الرِّبَا إِلَى الْإِخْلَاصِ؛ وَ مِنَ الرِّغْبَةِ إِلَى الرِّهْبَةِ؛ وَ مِنَ الْكِبْرِ إِلَى التَّوَاضُعِ؛ وَ مِنَ الْغَشِّ إِلَى الصَّيْحَةِ.
۱۶. عَنْ الْبَاقِرِ عليه السلام: أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ وَ إِنْ كَانَ جَالِسًا فَلْيَقُمْ.
۱۷. كَانَ أَبُو ذَرٍّ عَلَى حَوْضٍ يَسْقِي إِبِلَهُ فَرَاخِمَهُ إِنْسَانٌ فَكَسَرَ الْحَوْضَ فَجَلَسَ أَبُو ذَرٍّ ثُمَّ اضْطَجَعَ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ أَمْرُنَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا غَضِبَ الرَّجُلُ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنْ ذَهَبَ عَنْهُ وَ إِلَّا فليَضْطَجِعْ.
۱۸. لَأَخْبَرَ فِي دِينٍ لَيْسَ فِيهِ رُكُوعٌ وَ سُجُودٌ.
۱۹. إِنَّمَا أَمْرُوا بِالْإِحْرَامِ لِيَتَخَشَعُوا قَبْلَ دُخُولِهِمْ حَرَمَ اللَّهِ وَ أَمْنَهُ وَ لِنَلَّا يَلْهَوْا وَ يَسْتَعْلُوا بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَ رِبْتِهَا وَ لِدَانِهَا وَ يَكُونُوا جَادِبِينَ فِيمَا هُمْ فِيهِ قَاصِدِينَ نَحْوَهُ مُقْبِلِينَ عَلَيْهِ بِكَلْبَتِهِمْ.
۲۰. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: جَالِسُ الْعُلَمَاءِ تَرَدَّدُ جَلْمًا.
۲۱. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: جَالِسُ الْفُقَرَاءِ تَرَدَّدُ شُكْرًا.
۲۲. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ.
۲۳. وَ قَالَ عليه السلام: لَا تَجْلِسُوا عِنْدَ كُلِّ عَالِمٍ إِلَّا عَالِمٍ يَدْعُوكُمْ مِنَ الْخَمْسِ إِلَى الْخَمْسِ مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ وَ مِنَ الْكِبْرِ إِلَى التَّوَاضُعِ وَ مِنَ الرِّبَا إِلَى الْإِخْلَاصِ وَ مِنَ الْعَدَاوَةِ إِلَى الصَّيْحَةِ وَ مِنَ الرِّغْبَةِ إِلَى الرِّهْبَةِ.
۲۴. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: جَالِسُ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّ عِلْمَكَ وَ يَحْسِنُ ادْبَكَ وَ تَرَكَ نَفْسَكَ.
۲۵. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: جَالِسُ الْعُلَمَاءِ تَسْعَدُ.
۲۶. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحُ الْكُفَّاءَ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ.
۲۷. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: مَا زَارَ مُسْلِمٌ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فِي اللَّهِ وَ لِلَّهِ إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيُّهَا الرَّائِي، طِينَتْ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ.
۲۸. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ: تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِحْيَاءً لِقُلُوبِكُمْ.
۲۹. قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: زُورُوا قُبُورَ مَوْتَاكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَيْهِمْ؛ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهِمْ عِبْرَةً.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید، قم، مکتبه آية‌الله المرعشی النجفی. آمدی، عبدالواحد بن محمد، بی‌تا، تصنیف غرر‌الحکم و درر‌الکلم، قم، مکتب الإعلام اسلامی، کتابخانه دیجیتال نور.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، اسرار نهفته در اعمال حج، مجله الکترونیکی اسراء، ش ۶.

حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.

صدوق، محمد بن علی ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی، تهران، مدرسه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار‌الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۶، راز و نیاز (شرح مناجات خمس‌عشر)، درس‌های اخلاق (۱۳۸۶/۱۲/۰۸).

<https://mesbahyazdi.ir/node/765>

_____، ۱۳۸۸، رستگاران، تدوین و نگارش محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

<https://mesbahyazdi.ir/node/3125>

_____، ۱۳۸۹، شرح خطبه فدکیه، درس‌های اخلاق، ۱۳۸۹/۰۶/۱۴.

_____، ۱۳۹۱الف، اخلاق در قرآن، ج ۳، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۱ب، رساترین دادخواهی و رؤسنگری (شرح خطبه فدکیه)، ج ۱، تدوین و نگارش عباس گرایبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۱ج، سهبای حضور (شرح دعای چهل‌وچهارم صحیفه سجادیه)، تدوین و نگارش اسدالله طوسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۲، پندهای امام صادق به رهجویان صادق، تدوین و نگارش محمدمهدی نادری قمی، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴الف، پند جاوید، ج ۱ و ۲، نگارش علی زینتی، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴ب، راهبان کوی دوست (شرح حدیث معراج)، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴ج، قرآن‌شناسی، تحقیق و نگارش غلامعلی عزیزی کیا، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴د، علم و جهل، درس‌های اخلاق سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ (۱۳۹۴/۰۲/۱۶). <https://mesbahyazdi.ir/node/5575>

_____، ۱۳۹۵، تحلیلی روان‌شناختی از تحولات صدر اسلام، درس‌های اخلاق سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ (۱۳۹۵/۰۲/۰۱).

<https://mesbahyazdi.ir/node/5970>

_____، ۱۳۹۶الف، ره‌توشه: پندهای پیامبر به ابوذر، ج ۱ و ۲، تحقیق و نگارش کریم سبحانی، چ هفتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۶ب، فرابند شکل‌گیری و استمرار نیت اخلاقی، درس‌های اخلاق سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ (۱۳۹۶/۰۷/۲۶).

<http://www.mesbahyazdi.org/node/6491>

_____، ۱۳۹۷، زینهار از تکبر! شرح بزرگ‌ترین خطبه نهج‌البلاغه در نکوهش متکبران و فخر‌فروشان، تدوین و نگارش محسن سبزواری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۸، اخلاق در قرآن، ج ۱، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، چ دهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۹، آیین پرواز، تلخیص جواد محدثی، چ نهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۴۴۱ق، اخلاق اجتماعی در اسلام، درس‌های اخلاق ماه مبارک رمضان (اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۸).

ورام، مسعودین عیسی، بی‌تا، تشبیه الخواطر و نزهة الناظر المعروف به مجموعه ورام، قم، مکتب الفقیه، کتابخانه دیجیتال نور.

بالجن، مقداد، ۱۳۹۵، تربیت اخلاقی در اسلام، ترجمه، تلخیص و اضافات بهروز رفیعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.